

تقدیر و تشکر

سپاس خدایی را که بزرگی از آن اوست، خدایی که سایه‌ی رحمتش را بر سرم افکند تا بار دیگر قدم در راه او نهم و قلم بر نام او رانم.

با استعانت از پروردگار متعال از تمامی عزیزانی که اینجانب را در اتمام موفقیت‌آمیز این پایان‌نامه یاری نموده‌اند تشکر و قدردانی می‌نمایم.

در آغاز وظیفه‌ی خود می‌دانم تا بدینوسیله از زحمات بی‌دریغ استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر احمد گلی و استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر ناصر علیزاده که بر من منت نهاده و همواره مرا در پیشبرد این پایان‌نامه یاری نمودند و در پیمودن مسیر هیچ‌گاه تنه‌ایم نگذاشتند، کمال قدردانی و سپاس را داشته باشم. برخورد منطقی و درایت و بزرگواری استادان محترم دوره کارشناسی ارشد جناب آقای دکتر رشید عیوضی، جناب آقای دکتر سعید قره‌بگلو، جناب آقای دکتر رحمان مشتاق‌مهر، جناب آقای دکتر یحیی آتش‌زای، جناب آقای دکتر حسین صدقی، جناب آقای دکتر حیدر قلی‌زاده ستودنی است. این بزرگواران در همه حال سختی‌ها را بر من آسان نموده و موجب دلگرمی و مشوق من در کلیه مراحل تحصیل بوده‌اند. از خداوند متعال برای ایشان توفیق روزافزون در راه خدمت به علم و دانش این مرز و بوم را خواستارم. تشکر و سپاس ویژه‌ی خود را نسبت به استادان محترم دوره‌ی کارشناسی؛ جناب آقای دکتر میرنعمت‌اله موسوی، سرکار خانم دکتر محبوبه عبداللهی و جناب آقای دکتر احمد محمدی ابراز می‌دارم.

همچنین بر خود واجب می‌دانم قدردان زحمات دوستان بسیار عزیزم سرکار خانم پریسا مردانلو و همسر محترمشان جناب آقای مهندس جواد انوریان، حبیبه اسمعیلی، نسرین آقاجانی و فاطمه یزدانی پور باشم.

تقدیم به او، به تماشائی‌ترین مخلوق خاکی در زمین، به تکه‌ای از آسمان، لالائی باران، او که رایحه‌ی همه‌ی گلهاست. با او به سختی‌های زندگی لبخند زدم. تقدیم نگاه غزلواره‌اش، به حریر دعای شبانه‌اش
«تقدیم به مادرم»

تقدیم به او، به دستهای پر مهرش، به نگاه مهربان و سکوتش، او که بودنم از او رنگ ماندن گرفت و هیچ وقت اخمش را باور نکردم. دست با سخاوتش باران را شرمنده کرد. تقدیم به کوه پر غرورم
«تقدیم به پدرم»

تقدیم به روشنی بخش زندگی‌ام، به یاور کمال اندیشم، جاودانه‌ترین طلوع زندگیم، او که حضورش تکرار خوشبختی‌ام شد و صبوری‌اش کوه را به زانو درآورد. تقدیم به مهر پرفروغم
«تقدیم به همسرم»

تقدیم به یاوران ابدی، به آنان که تاریکی تنهایی‌ام را با خورشید فروزان وجودشان آراستند. آنان که با من خندیدند و گریستند و لبخند گرمشان که مرا به زندگی امیدوار می‌کند و به بودن و ادامه‌ی راه ...
«تقدیم به خواهران عزیزم»

چکیده

مثل و تمثیل یکی از مهم‌ترین انواع ادبی است که جایگاه والایی را در ادبیات فارسی به خود اختصاص داده است. مثل، مثال و تمثیل در ادب فارسی به تبعیت از زبان عربی اغلب به جای یکدیگر به کار رفته‌اند و هر یک نامی جدا و خاص خود را دارند از این رو با پیچیدگی و گره‌خوردگی خاصی در ادب فارسی روبه‌رو هستند. این نوع ادبی در ادبیات انگلیسی به چهار بخش مستقل فابل، پارابل، تمثیلات رمزی «Allegory» و ضرب‌المثل تقسیم شده و از لحاظ ساختار و محتوا مورد بررسی قرار گرفته است که این نوع تمثیلات در ادب فارسی جایگاه و کاربرد ویژه‌ای دارد. تمثیل می‌تواند شکل کوتاه یا گسترده داشته باشد و از آنجایی که در مباحث بلاغی فارسی و عربی از خانواده‌ی استعاره و یا تشبیه است از یک یا چند جمله فراتر نمی‌رود. شکل کوتاه تمثیل که در بلاغت اسلامی مطرح است شامل: تشبیه تمثیلی، اسلوب معادله، ارسال‌المثل و استعاره‌ی تمثیلیه است که به آن تمثیل توصیفی نیز می‌گویند. شکل گسترده‌ی تمثیل، شامل تمثیل‌هایی است که شکل داستانی دارند و این نوع، بیشتر در بلاغت فرنگی مطرح است و به آن تمثیل روایی گویند؛ لذا برای اینکه اصطلاح تمثیل با سایر شکل‌های ادبی مختلط نشود بهتر است اصطلاح «تمثیل» را فقط برای «تمثیل داستانی» یعنی حکایت یا قصه‌ای که دلالت ثانوی آن اهمیت دارد به کار ببریم و بقیه را با اصطلاح خاص خود بشناسیم.

نتایج کلی حاکی از آن است که در ادبیات فارسی برای بیان بعضی نکات اخلاقی و همچنین رساندن بعضی مفاهیم عرفانی و عقاید دینی از تمثیل داستانی به‌عنوان بهترین ابزار برای انتقال معانی بهره‌جسته‌اند. در آثار ارزشمندی چون: مثنوی مولوی، منطق‌الطیر عطار، سلامان و ابسال جامی و ... در ادب فارسی، تمامی انواع تمثیل - توصیفی و روایی - جایگاه و کاربرد خاص خود را دارد.

کلید واژه‌ها: مثل، تمثیل، مثال، تمثیل روایی، تمثیل توصیفی، تمثیل داستانی.

فهرست

عنوان	صفحه
چکیده	یک
پیشگفتار	آ
مقدمه	۱
فصل اول: کلیاتی درباره مثل	۷
۱-۱- مثل چیست؟	۸
۲-۱- معنای لغوی و اصطلاحی مثل	۹
۳-۱- پیشینه‌ی مثل	۱۰
۴-۱- تمثیل در ادبیات ایران	۱۳
۵-۱- امثال فارسی متأثر از قرآن	۱۵
۶-۱- کارکرد تمثیل	۱۶
۷-۱- فایده‌ی تمثیل	۱۸
فصل دوم: تمثیل	۲۱
۱-۲- تمثیل روایی (تمثیل داستانی)	۲۳
۱-۱-۲- فابل (حکایت‌های حیوانات)	۲۵
۱-۱-۱-۲- فابل در لغت و اصطلاح	۲۶
۲-۱-۱-۲- ویژگیهای فابل	۲۶
۳-۱-۱-۲- نمونه‌هایی از فابل	۲۷
۲-۱-۲- پارابل	۳۰
۱-۲-۱-۲- تفاوت پارابل و فابل	۳۱
۲-۲-۱-۲- نمونه‌ای چند از پارابل‌ها	۳۲
۳-۱-۲- تمثیلات رمزی	۳۴
۱-۳-۱-۲- بررسی تمثیل از روی شکل و ساختار	۳۵
۲-۳-۱-۲- تفاوت تمثیل رمزی با تمثیل فابل و پارابل	۴۱
۳-۳-۱-۲- تفاوت و تشابه تمثیل و نماد	۴۲
۲-۲- تمثیل توصیفی	۴۵
۱-۲-۲- تشبیه تمثیلی	۴۷
۱-۱-۲-۲- تفاوت تشبیه مرکب با تشبیه تمثیل	۵۰
۲-۲-۲- تمثیل در سبک هندی	۵۲
۱-۲-۲-۲- اسلوب معادله و ویژگی‌های آن	۵۳

۵۴	۲-۲-۲-۲- صورت‌های گوناگون اسلوب معادله
۵۵	۳-۲-۲-۲- اسلوب معادله از لحاظ ساختار
۵۷	۴-۲-۲-۲- تفاوت اسلوب معادله با ارسال‌المثل
۵۹	۵-۲-۲-۲- وجه اشتراک و افتراق اسلوب معادله با تشبیه تمثیلی
۶۰	۶-۲-۲-۲- تفاوت تشبیه مرکب با اسلوب معادله
۶۱	۷-۲-۲-۲- نمونه‌هایی چند از اسلوب معادله
۶۲	۳-۲-۲- ارسال‌المثل
۶۳	۱-۳-۲-۲- عیوب تعاریف ارسال‌المثل
۶۵	۲-۳-۲-۲- طرق استفاده از ارسال‌المثل
۶۶	۳-۳-۲-۲- تفاوت ارسال‌المثل با تضمین
۶۷	۴-۳-۲-۲- تفاوت ارسال‌المثل با تمثیل
۶۹	۵-۳-۲-۲- تفاوت ارسال‌المثل با تلمیح
۷۰	۶-۳-۲-۲- تفاوت ارسال‌المثل با کلام جامع
۷۲	۷-۳-۲-۲- ارسال‌المثلین
۷۲	۴-۲-۲- استعاره مرکب یا تمثیلیه
۷۵	فصل سوم: مثل
۷۵	۱-۳- ضرب‌المثل (proverb)
۷۶	۲-۳- کاربرد تشبیه در مثل
۷۷	۳-۳- شیوع و رواج مثل
۷۸	۴-۳- عامیانه بودن مثل
۷۹	۵-۳- ایجاز و کوتاه‌نویسی مثل
۸۰	۶-۳- مثل حاصل تجربه است
۸۱	۷-۳- مثل نوعی برهان و حجت
۸۲	۸-۳- جنبه‌ی استعاری مثل
۸۳	۹-۳- فصل مشترک تمامی تعاریف مثل
۸۴	۱۰-۳- جایگاه مثل در جامعه
۸۷	۱۱-۳- تفاوت مثل با ضرب‌المثل
۸۸	۱۲-۳- انواع مثل‌ها از لحاظ ساخت و محتوا
۹۵	۱۳-۳- متناقض‌نمایی در مثل
۹۶	۱۴-۳- ریشه‌ی مثل‌ها
۹۶	۱-۱۴-۳- امثال بدون ریشه
۹۷	۲-۱۴-۳- امثال ریشه دار
۹۷	۱-۲-۱۴-۳- ریشه‌های داستانی

- ۹۹ ریشه‌های تاریخی ۲-۲-۱۴-۳
- ۱۰۰ ریشه‌های خرافی ۳-۲-۱۴-۳
- ۱۰۰ ریشه‌های مدنی ۴-۲-۱۴-۳
- ۱۰۱ ۱۵-۳- کنایه و مثل
- ۱۰۳ ۱-۱۵-۳- شباهت کنایه و مثل
- ۱۰۴ ۲-۱۵-۳- تفاوت کنایه و مثل
- ۱۰۷ ۱۶-۳- تفاوت مثل و حکمت
- ۱۰۹ ۱۷-۳- داستان‌های امثال
- ۱۱۰ ۱-۱۷-۳- داستان‌ها قدیم‌ترند یا امثال؟
- ۱۱۱ ۲-۱۷-۳- فواید داستان‌های امثال
- ۱۱۳ ۳-۱۷-۳- افسانه‌های عامیانه و تفاوت آن با داستان‌های امثال
- ۱۱۳ ۱۸-۳- آگزمپلوم (داستان - مثال)
- ۱۱۹ نتیجه‌گیری
- ۱۲۰ منابع و مآخذ

پیشگفتار

تمثیل در ادبیات ما از جایگاه مهمی برخوردار است. متون ادب فارسی اعم از نظم و نثر مشحون از جملات و عباراتی است که جنبه‌ی مثل پیدا کرده‌اند. با نگاهی کوتاه به اشعار رودکی، نظامی، ابن‌یمین، سعدی، مولوی، حافظ و آثار مثنوی چون سیاست‌نامه، قابوسنامه، تاریخ بیهقی و ... می‌توان به ارزش و جایگاه مثل پی‌برد. از طرفی تمثیل به عنوان ابزاری برای شاعران محسوب می‌شود تا بتوانند عقاید فلسفی، عرفانی، دینی و اخلاقی خود را به گوش مخاطب خویش برسانند. در واقع شاعر یا نویسنده یک امر غیر حسی را به امری حسی و قابل درک نزدیک می‌کند. تمثیل در ادبیات اروپا شاخه‌بندی مشخصی دارد و در چهار بخش فابل، پارابل، تمثیلات رمزی و ضرب‌المثل مورد بررسی قرار گرفته است؛ ولی در ادب فارسی این تقسیم‌بندی با پیچیدگی و گره‌خوردگی خاصی روبه‌روست و این امر از آنجا ناشی می‌شود که در زبان فارسی بین بلاغت غرب و بلاغت اسلامی تقسیم‌بندی مشخصی صورت نگرفته و تمثیل در یک بُعد گسترده و کلی بررسی شده است. بنابراین برای رفع این پیچیدگی از جانب استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر گلی موضوعی با عنوان «مثل و انواع آن در ادب فارسی» به نگارنده پیشنهاد شد. بدین منظور ابتدا برای یافتن منابع موردنظر به کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی تبریز مراجعه شده و پس از تهیه‌ی لیستی از تمامی کتاب‌های موجود مرتبط با موضوع تحقیق، فیش‌برداری صورت گرفته است. در ضمن مطالعه، بیشتر پیچیدگی موضوع آشکار شد به‌خصوص در کتب بلاغی قدیمی این امر نمود بیشتری داشت؛ زیرا در هیچ یک از این کتب نظم و تقسیم‌بندی مشخصی برای تمثیل صورت نگرفته بود؛ لذا برای بررسی تحقیقات جدید، مقاله‌های نوشته شده در این مورد جستجو شد و برای یافتن آنها اینترنت و سایت‌های تحقیقاتی کمک شایانی به نگارش پایان‌نامه

نمود. از طرفی «کتاب‌شناسی ضرب‌المثل‌ها» کار تحقیق را سرعت و رونق بخشید و تقریباً از تمامی مقاله‌های مهم در این زمینه مطالعه و فیش‌برداری شد. پس از انجام مطالعات لازم با کمک و راهنمایی استاد بزرگوار، این پایان‌نامه در سه فصل کلیات، تمثیل و مثل تقسیم بندی شد. هر فصل مدخل‌های فرعی و بخش‌های مربوط به خود را دارد. لازم به یادآوری است که مباحث و موضوعات مندرج در این مجموعه براساس اهمیت آنها تنظیم شده و ترتیب یافته است.

فصل اول

کلیاتی دربارهٔ مثل

فصل دوم

تمثيل و انواع آن

فصل سوم

مثل

(ضرب المثل)

منابع و مأخذ

مقدمه

آنچه به صورت علم در تاریخ ثبت شده، اندیشه‌ی پیشگامان فلسفه در صدها سال قبل از میلاد مسیح است. فلسفه قبل از سقراط ناظر بر علوم طبیعی بود و با اخلاقیات و دین و آیین مردم و سایر اعتقادات فکری و تربیتی آن دوران ارتباطی نداشت. فلاسفه تمام کوشش و توان خود را به بحث و بررسی در مورد علوم مادی نموده و توجه خود را صرف علم‌الاشیا می‌کردند. آنچه جزو علم و دانش آن زمان محسوب نمی‌شد، اخلاقیات و اصول اخلاقی و آرای معنوی جامعه بود. علی‌رغم بی‌توجهی به این مهم، از بدو تشکیل اجتماعات شهری و تمدن‌های باستانی، حتی قبل از ظهور ادیان بزرگ، انسان‌ها به ضرورت اخلاق، ادبیات و فرهنگ وابسته به آن پی برده و به اهمیت آن در زندگی خود، آگاهی داشتند. امثال و حکم نیز قبل از طبقه‌بندی علوم و قرن‌ها پیش از ظهور فلسفه وجود داشته است. انسان اجتماعی، از تشخیص میان خوب و بد عاجز نبوده و براساس تجربه و برخورداری از اساطیر و داستان‌های موجود، طبق نیاز و شرایط خود به ساختن ضرب‌المثل و عبارات و اصطلاحات اخلاقی پرداخته است.^۱

از این روست که در ادبیات برای بیان نکات اخلاقی و یا بعضی رفتارهای اجتماعی متوسل به مثل می‌شده‌اند. حکایت‌های موجود در مثنوی مولوی، منطق‌الطیر عطار و یا حکایت‌های بوستان و گلستان سعدی همه نشان از اهمیت اخلاق و تربیت بشر برای رسیدن به تعالی دارد. در این راستا «مثل» از جایگاه مهمی برخوردار است و بسیاری از مسائل اخلاقی یا اجتماعی عمل را توجیه می‌کند. امثال و حکم بخشی از فولکلور هر جامعه را تشکیل می‌دهد و اندیشه‌ها، باورها و آداب و رسوم یک جامعه را نمایان می‌سازد. در واقع فرهنگ هر ملتی در دو بُعد شفاهی و مکتوب متجلی می‌شود، «مثل» همان بُعد شفاهی است که نسبت به ادبیات مکتوب سابقه‌ای دیرینه دارد. این نوع ادبیات شفاهی نسبت به

۱- رک، غنی، قاسم، تاریخ تصوف در اسلام، ص ۱۰۳

ادبیات مکتوب کمتر در معرض حوادث قرار گرفته است؛ زیرا در اذهان نقش بسته و دوام آن با بقای آدمی در پیوند است.^۱

کتاب «ترجمان البلاغه» رادویانی کهن‌ترین کتابی است که بخشی از آن به امثال اختصاص یافته است.^۲ در واقع قسمتی از مثل‌ها از قرن شانزدهم میلادی به بعد در مجموعه‌های جداگانه جمع‌آوری و منتشر شده است که از جمله مجموعه‌ی «شاهد صادق» را می‌توان نام برد. همچنین مثل‌های فارسی را در لغت‌نامه‌های قطوری که از قرن یازدهم میلادی به بعد جمع‌آوری و منتشر شده می‌توان یافت.^۳ گردآوری امثال فارسی نخستین بار در سال ۱۰۵۱ هـ.ق. توسط ادیبی به نام میرزا محمد حبله‌رودی (یا هبله رودی) صورت گرفته و اثر او تحت عنوان جامع التمثیل انتشار یافته است. بعد از وی ادیب دیگری که برخی نام او را محمد صادق صادقی اصفهانی و برخی دیگر حاج میرزا علی اکبر خان قائم مقامی دانسته‌اند به تألیف دانشنامه‌ی بزرگی به نام «شاهد» دست زده و در فصل هشتادم کتاب خود بخشی را به امثال فارسی اختصاص داده و در آن پانصد و شصت مثل فارسی را ذکر کرده است.

بعد از سه قرن در سال ۱۳۳۹ هـ.ق. مجموعه‌ی کوچکی تحت عنوان «هزار و یک سخن در امثال و نصایح و حکم فارسی» توسط امیر قلی امینی به چاپ رسید. اما نخستین فرهنگ جامع و بزرگ در زمینه‌ی امثال فارسی در سال ۱۳۱۰ شمسی تحت عنوان «امثال و حکم» توسط ادیب بزرگ علی اکبر دهخدا تألیف شد که باید آن را کامل‌ترین و معتبرترین فرهنگ در زمینه‌ی امثال و حکم فارسی دانست.^۴

مثل‌ها و تمثیل‌ها از زمان‌های بسیار قدیم وارد ادبیات فارسی شده است و همه‌ی شاعران، حتی آنهایی که گمنام بوده‌اند، در شعرهای خود از آنها استفاده کرده‌اند. در واقع شاعران و نویسندگان هنر و توانایی خود را با به کار بردن امثال و لطیف ساختن کلام خویش، نمایان می‌سازند.

تمثیل یکی از روشهای بیان غیرمستقیم معانی و اندیشه‌های شاعر یا نویسنده است که اشکال مختلفی دارد. تمثیل یا شکل کوتاه دارد و یا به صورت گسترده می‌باشد؛ از این رو به دو بخش کلی تقسیم می‌شود: تمثیل‌هایی که شکل داستانی دارند و تمثیل‌هایی که چنین نیستند. این گروه را «تمثیل‌های روایی و توصیفی» می‌نامیم. تمثیل‌های روایی شامل: فابل، پارابل و تمثیلات رمزی است؛

۱- رک، پارسا، احمد، مثل‌ها از نگاهی نو، ص ۴

۲- رک، ستوده، غلامرضا، مرجع شناسی و روش تحقیق در ادب فارسی، ص ۲۲۵

۳- رک، کوراوغلی، خ.گ، پیام نوین، ص ۱۷

۴- رک، شکورزاده، ابراهیم، ده هزار مثل فارسی، ص ۹

و تمثیل‌های توصیفی شامل تشبیه تمثیلی، اسلوب معادله، ارسال المثل و استعاره تمثیلیه است که در بلاغت اسلامی بیشتر تمثیل‌ها از نوع توصیفی هستند.^۱

برای اینکه اصطلاح تمثیل با سایر شکل‌های ادبی تخلیط نشود، بهتر است اصطلاح «تمثیل» را فقط برای «تمثیل داستانی» یعنی حکایت یا قصه‌ای که دلالت ثانوی آن اهمیت دارد به کار ببریم و بقیه را با اصطلاح خاص مربوط به آنها بشناسیم و عنوان تمثیل را بر آنها اطلاق نکنیم.^۲

امثال سایر و حکم مشهور نیز یکی از مقوله‌های مهم فرهنگ عامه است که شاعران و نویسندگان بسیاری برای بیان اندیشه‌ها و معانی انتزاعی خویش بدان توسل جسته‌اند و آنها را در قالب داستان‌ها و قصه‌های گوناگون نقل کرده‌اند. شاعران برای القای معانی ذهنی خویش از ضرب‌المثل‌هایی که بن‌مایه‌ی داستانی داشته‌اند، استفاده می‌کردند. این ضرب‌المثل‌ها و حکمت‌های عامیانه به دلیل داشتن وجه مشترک در میان اقوام مختلف، راه را برای پیدایش و گسترش تمثیل هموار می‌کرده‌اند. شاعران و نویسندگان با شاخ و برگ دادن و صورت داستانی بخشیدن به ضرب‌المثل‌ها، آنها را در خلال ابیات و نوشته‌های خود به کار می‌برده‌اند، ضرب‌المثل‌هایی چون:

- زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد
- دیوانه چو دیوانه ببیند خوشش آید
- خورد گاو نادان ز پهلوی خویش
- عاقبت گرگ زاده گرگ شود^۳

هدف

مطالبی که ذکر شد صرفاً جهت نشان دادن اهمیت مثل و تمثیل در ادب فارسی است. مثل، امثال و تمثیل در ادب فارسی اغلب به جای یکدیگر به کار رفته‌اند و مرز مشخصی ندارند. گاه به انواع گوناگون داستان یا حکایات جدا از اینکه چه نوع داستانی هستند، واژه‌ی «تمثیل» بدان اطلاق

۱- رک، حمیدی، سیدجعفر؛ شامیان، اکبر، سرچشمه تکوین و توسعه انواع تمثیل، نشریه دانشکده ادبیات و علوم

انسانی تبریز، ص ۷۶

۲- رک، فتوحی، محمود، بلاغت تصویر، ص ۲۵۷

۳- پیشین

می‌شود،^۱ یا ابیاتی که در آنها تشبیه تمثیلی یا اسلوب معادله و ... مشاهده می‌شود بدون توجه به نوع آن همواره آنها را تمثیل می‌نامیم البته مسلم است که همه‌ی این موارد ریشه در تمثیل دارند؛ اما چون در زبان فارسی انواع گوناگون تمثیل نامی جدا و خاص ندارند، نوعی گره‌خوردگی و پیچیدگی در این نوع ادبی مشهود است، لذا در این پایان‌نامه سعی شده است که این پیچیدگی سامان یابد و تمثیل از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

پیشینه‌ی تحقیق

از جمله آثاری که در این باب در عصر معاصر نوشته شده است می‌توان به کتابهای زیر اشاره

کرد:

- ۱- امثال و حکم دهخدا؛ تألیف علامه علی‌اکبر دهخدا
- ۲- جوهر الجواهر؛ تألیف حاج میرزا حسن انصاری جابری
- ۳- داستان نامه بهمنیاری؛ تألیف احمد بهمنیار
- ۴- فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات زبان پارسی؛ تألیف امیرقلی امینی
- ۵- ضرب‌المثل‌های فارسی در افغانستان؛ گردآوری دکتر محمدتقی مقتدری
- ۶- اندرزها و مثالهای مصطلح در زبان فارسی؛ تألیف امیر مسعود خدایار
- ۷- فرهنگ امثال فارسی؛ تألیف یوسف جمشیدی پور
- ۸- واژه‌ها و مثل‌های شیرازی و کازرونی؛ تألیف علی‌نقی بهروزی
- ۹- کاوشی در امثال و حکم فارسی؛ تألیف سید یحیی برقعی
- ۱۰- کتاب کوچه؛ تألیف احمد شاملو
- ۱۱- ریشه‌های تاریخی امثال و حکم؛ تألیف مهدی پرتوی آملی
- ۱۲- پند یاب و داستان یاب؛ تألیف دکتر شکیبی گیلانی، حق شناس و ...
- ۱۳- دوازده هزار مثل فارسی؛ تألیف ابراهیم شکورزاده
- ۱۴- تکلمه‌ی امثال و حکم؛ تألیف احمد گلچین معانی
- ۱۵- تمثیل و مثل؛ تألیف ابوالقاسم انجوی شیرازی
- ۱۶- صراحی می‌ناب؛ تألیف فرشته سپهر

۱- رک، پورنامداریان، تقی، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، ص ۱۴۱

۱۷- ارسال المثل در مثنوی؛ تألیف علیرضا منصور مؤید

۱۸- مثلها و حکمتها در آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم؛ تألیف رحیم عقیفی

از جمله کسانی که در زمینه‌ی مثل و تمثیل پژوهش‌های ارزنده‌ای داشته، دکتر حسن ذوالفقاری است که مقالات متعددی در این زمینه ارائه داده است از جمله‌ی این مقالات عبارتند از:

- تفاوت ضرب‌المثل با برخی گونه‌های زبانی و ادبی مشابه، که این مقاله در مجله‌ی نجوای فرهنگ به چاپ رسیده، در این مقاله بیشتر به تفاوت مثل با برخی انواع مشابه مثل، ارسال‌المثل، اسلوب معادله، ضرب‌المثل و ... پرداخته شده است.

- بررسی ساختار ارسال‌المثل که این مقاله نیز در فصلنامه‌ی پژوهش‌های ادبی به چاپ رسیده که در زمینه‌ی ارسال‌المثل مقاله بسیار مفصل و مفیدی است.

- سیری در داستان‌های امثال که در مجله‌ی مطالعات ایرانی به چاپ رسیده، در واقع مقدمه‌ی کتاب داستان‌های امثال همان نویسنده است که با کمی تغییر به صورت مقاله‌ای ارائه نموده‌اند.

- بازتاب مسائل اجتماعی در ضرب‌المثل‌های فارسی که در مجله‌ی فرهنگ به چاپ رسیده در مورد جایگاه مثل در جامعه است که امثال مرتبط با مسائل اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

- تفاوت کنایه با ضرب‌المثل، مقاله‌ی دیگری از این پژوهشگر است که در فصلنامه‌ی پژوهش زبان و ادبیات فارسی به چاپ رسیده است. این مقاله یکی از مقالات علمی بسیار خوب و مفید در زمینه‌ی تفاوت کنایه با ضرب‌المثل می‌باشد که راهکار مفیدی در این زمینه ارائه شده است.

علاوه بر این استاد گرامی، دکتر احمد پارسا نیز مقاله‌ی بسیار خوبی در زمینه‌ی مثل و انواع آن با عنوان «مثل‌ها از نگاهی نو» ارائه نموده‌اند که در مجله‌ی آموزش زبان و ادب فارسی به چاپ رسیده است.

از جمله‌ی محققانی که به نگارش مقاله در این زمینه پرداخته‌اند عبارتند از:

- سید عبدالعلی دستغیب؛ مقاله‌ای با نام «هنر تمثیل در آثار ادبی»

- غلامحسین ملایی؛ مقاله‌ای با نام «تمثیل در ادبیات ایران و جهان»

- احمد خیالی؛ مقاله‌ای با نام «تمثیل در ادب پارسی»

- احمد ابومحبوب؛ مقاله‌ای با نام «در تمثیل و ارسال‌المثل»

از مهمترین مقالاتی که در تقسیم‌بندی تمثیل در این مجموعه کمک شایانی کرد، مقاله‌ی دکتر سیدجعفر حمیدی و دکتر اکبر شامیان با عنوان «سرچشمهٔ تکوین و توسعهٔ انواع تمثیل» بود که در نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز به چاپ رسیده است.

از جمله کتابهایی که پیش از این در این زمینه به طور مفصل در آن بحث شده و فصل مشخص و مفصلی برای این منظور در نظر گرفته شده است، عبارتند از:

- داستان نامهٔ بهمنیاری از استاد ارجمند احمد بهمنیار.
 - رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی تألیف دکتر تقی پورنامداریان.
 - بلاغت تصویر تألیف دکتر محمود فتوحی.
 - صور خیال در شعر فارسی تألیف استاد دکتر شفیعی کدکنی.
- امید است این مجموعه‌ی مختصر، مورد قبول پروردگار متعال که همواره عنایتش همچون نسیم فرح‌بخش بر زندگی‌ام جاری گشته و استادان محترم قرار گیرد و برای عزیزان پژوهشگر مؤثر و مفید واقع گردد.

«چون دوست کریم است مرا فعل خطا بس»

۱-۱- مثل چیست؟

مثل یکی از انواع ادبی است که جایگاه مهمی را در متون ادبی به خود اختصاص داده است. مثل، مثال و تمثیل در زبان فارسی به پیروی از زبان عربی اغلب به جای یکدیگر به کار می‌روند و گاهی نیز به انواع گوناگون داستان یا حکایات گفته می‌شود؛ اگر چه ممکن است از نظر طول داستان و نوع شخصیت‌ها با یکدیگر فرق داشته باشند اما همه را جدا از شکل ویژه آنها مثل و یا تمثیل می‌نامند. در زبان فارسی «داستان» یا «دستان» نیز با همان معنی، معادل کلمه‌ی «مثَل» در عربی است. در زبان فارسی انواع گوناگون داستان هر یک نامی جدا و خاص خود را ندارند و کلمات داستان، قصه، حکایت، مثل و تمثیل اغلب مترادف به کار می‌روند.^۱

برقعی امثال و حکم را در قالب امثال، ضرب‌المثل و تمثیلات بررسی می‌کند و امثال را آن قسمت از حکایات کوچک اخلاقی می‌داند که برای ارشاد مردم وضع شده و بیشتر فهرومانان آن حیوانات و نباتات می‌باشند و وقوع آن در خارج امکان‌پذیر نیست.^۲

دکتر حسین ذوالفقاری نیز امثال را اینگونه ارزیابی می‌کند: «هرگاه گوینده به حیوانات و نباتات و حتی جمادات، شخصیت انسانی بخشد که وقوع آن در بیرون غیرقابل تصور و امکان‌ناپذیر باشد، امثال است.»^۳

تفاوت امثال و تمثیل در این است که در تمثیل موضوع سخن، افراد انسانی است و گوینده از عالم انسانی مثال می‌آورد و حکایتی است حقیقی و قابل وقوع که فرض حدوث آن ممکن است.^۴

۱- رک، پورنامداریان، تقی، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، ص ۱۴۱

۲- رک، برقعی، سید یحیی، کاوشی در امثال و حکم فارسی، صص ۶-۷

۳- ذوالفقاری، حسن، سیری در داستان‌های امثال، مجله مطالعات ایرانی، ش ۸، ص ۸۵

۴- رک، برقعی، سید یحیی، کاوشی در امثال و حکم فارسی، صص ۶-۷